

آیین جوانمردی، به مثابه الگویی اخلاقی - اجتماعی

فرزانه باخدا*

چکیده

با نگاهی به جهان امروز و گسترش عرفان‌های نوظهور و گاه غیراخلاقی، و گروش هر چه بیش‌تر انسان‌ها به آن‌ها، گفته می‌شود که ما در عصر بازگشت بشر به معنویت، یا بازگشت معنویت به زندگی بشر، به سر می‌بریم. در این جاست که ذخیره‌ها و میراث‌های فرهنگی جامعه، به مثابه قوای دفاعی بدن آدمی در دوران هجوم بیماری، به کار می‌آید. رسوم و آداب مربوط به مسلک «فتوت» و «جوانمردی»، از جمله این ذخایر معنوی و فرهنگی ایران و اسلام است که به صورت یک سلسله تعالیم اخلاقی و معنوی و یک نوع حکمت عملی برای عامه مردم درآمده و در دوره‌های فترت، کارساز بوده است. در این مقاله، سعی بر آن است تا با تعمق در متون «جوانمردان» و «فتوت‌نامه‌ها» و نیز با بررسی سنت‌های به جا مانده از ایشان، مثل اخلاق و رفتار زورخانه‌ای و پهلوانی، نظام جوانمردی را معرفی کنیم که با دارا بودن اصول اخلاقی و تعلیمی خاص، همواره منادی ارزش‌های اصیل انسانی و اخلاقی همچون «برابری» و «برادری» و «تندرستی» و «عدالت‌ورزی» و ... بوده است و خود این اصول و مبانی اخلاقی، می‌تواند الگویی مناسب برای جامعه باشد.

کلیدواژه‌ها: فتوت، عدالت، اخلاق، جوانمردی.

* کارشناس ارشد الهیات، ادیان و عرفان تطبیقی.

مقدمه

نظام «فتوت» یکی از مسلک‌های عرفانی است که از دیرباز، به صورت سلسله‌ای از آداب و رسوم «جوانمردی» و «مردانگی» در ایران باستان وجود داشت. پس از اسلام، این نظام، همراه با «تصوف» و «عرفان» اسلامی به رشد و بالندگی خود کوشید و از حالت جوانمردی «عیاری» و «شطاری» و به قول هانری کرین از شوالیه‌گری نظامی، به شوالیه‌گری نفسانی و درونی، مبدل گشت. اگر در این مسلک و نیز آداب و رسوم آن - که در ورزش‌های زورخانه‌ای هنوز باقی است - بنگریم، فتوت را دارای اصول اخلاقی و معرفتی و ارزش‌های اصیل انسانی می‌یابیم، که همواره مشوق ارزش‌هایی چون «مردانگی»، «مروت»، «نجابت»، «ایثار» و «گذشت»، «عدالت»، «وفای به عهد»، «عفت» و «تندرستی» بوده است.

در این مقاله سعی بر آن است تا در چند مبحث، به معرفی این ارزش‌های اصیل فتوت پردازیم و جایگاه اخلاق و مبانی اخلاقی و انسانی را در این نظام مشخص کنیم.

آیین فتوت و جوانمردی

تعریف جامع و مانع از «فتوت» یا «جوانمردی»، کار چندان آسانی نیست؛ چه، این مفهوم یا جریان از آغاز پیدایش در میان اقشار مختلف تا پیوندش با تصوف و دیگر شاخه‌های عیاری و جوانمردی، در هر دوره‌ای، سازوکار و اقتضائات خاص خود را داشته است و بنابراین تعریفی مخصوص از آن کرده‌اند. فتوت در اصطلاح، عبارت است از راه و رسم و آیینی خاص که از قرن‌ها پیش، حتی پیش از اسلام، در میان ایرانیان طرفدار داشته و نهادهای اجتماعی خاصی برای حمایت و ترویج آن پدید آمده است (لوئیزن، ۱۳۸۴، ص ۲۹۱).

اگر به دنبال تعریفی از «فتوت» باشیم باید به سراغ میراث مکتوب صوفیه در این باره برویم؛ هرچند که تعاریف فتوت، همانند تعاریفی که برای تصوف بیان شده، بسیار گسترده و متنوع است. کهن‌ترین اثری که می‌توان در آن، تعریفی از فتوت یافت، کتاب «الفتوة» اثر محمد بن ابی‌المکارم مشهور به ابن‌معمار حنبلی بغدادی است. او در این کتاب، می‌گوید: «اما در سنت، اخباری در باب فتوت وارد شده است و گزیده‌ترین آن‌ها آن است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آن را از پدر خویش و سرانجام از جدش روایت کرده است و گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: جوانمردی امت مرا ده علامت است. گفتند: ای رسول خدا! آن علامت‌ها کدام است؟ فرمود: راستگویی، وفای به عهد، ادای امانت، ترک دروغ‌گویی، بخشودن بر یتیم، دستگیری سائل، بخشیدن آنچه رسیده است، بسیاری احسان، خواندن مهمان و سر همه آن‌ها حیا است» (ابن‌معمار، ۱۹۶۰، ص ۱۳۲).

در منابع پارسی آثار زیادی درباره جوانمردی و عیاری می‌توان یافت؛ کتبی همچون «سمک عیار»، «قابوسنامه»، «شاهنامه» و... کتب دیگری نیز با عنوان فتوت‌نامه‌ها و رسایل جوانمردان هست که در طول مقاله از آن‌ها استفاده شده است.

جوانمردی در زبان عربی «فتوت» است مشتق از کلمه «فتی» به معنای «تازه جوان». در فرهنگ‌ها فتوت را به ضم اول و دوم و تشدید و فتح سوم ضبط کرده‌اند (ابن‌منظور، ذیل «فتا»، ص ۱۴۶ - ۱۴۸). اصطلاح فتوت در حدود قرن دوم هجری، مترادف «مروت» بود و بر خصایص «مرد بالغ» یا «فتی» دلالت داشت. بر اساس این اصطلاح، بر تمام نهضت‌ها و نظام‌های گوناگونی که تا آغاز دوره جدید در سراسر شهرهای اسلامی مشرق‌زمین گسترده بود، دلالت دارد (Taeshner, 1983, p.96).

«اخوت» نیز مانند فتوت، صفتی است مشتق از «اخی» (برادر) به معنی رابطه «برادری» یا «برادر نهادی». اخوت را معظم ابواب فتوت، و قاعده و اصل و اساس این طریقت دانسته‌اند. پیش‌قدم این راه را «اخی» نامیده‌اند که اصول آن جز به «مؤاخات»، منعقد و منتظم نمی‌گردد و در حقیقت، بهترین طرق مردم را طریق «اخوانیت» نامیده‌اند که مصالح و سعادت دین و دنیا را در پی دارد (کاشانی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۰)؛ و نیز غایت و نهایت

اقسام عدالت را «وفا» نامیده‌اند که آن نیز با ارکان مؤاخات، میسر می‌شود. بنابراین رابطهٔ اخوت در نزد اهل فتوت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که اخوت را نعمت کبری و موهبت حسنی نامیده‌اند (همان، ص ۲۶۱). ابن معمار نیز رابطهٔ اخوت را معاهده‌ای بین دو تن معرفی می‌کند که از طریق آن، دو برادر، در دنیا و آخرت هم‌دیگر را کفایت می‌کنند و اصل این نهاد را به رابطهٔ اخوتی که پیامبر اکرم ﷺ در میان صحابه نهاد، برمی‌گرداند (ابن معمار، ۱۹۶۰، ص ۱۵۰).

در دوره‌های پیش از اسلام و اوایل دورهٔ اسلامی، در زبان عربی واژهٔ «فتوت» به کار برده نشده است، بلکه تنها «فتی» به صورت مفرد (نه جمع) آمده و این واژه بر فرد اطلاق شده است، نه گروه. در این دوره، فتی به تازه‌جوان، زورمند و جنگاور، شریف و جوانمرد گفته می‌شد. الگوی نیمه‌افسانه‌ای برای جامعهٔ اعراب قدیم، حاتم طائی، و در اسلام، نمونهٔ عالی «فتی» حضرت علی ؑ بود با آن حدیث مشهور «لا فتی الا علی» (Taeshner, p.961). فتی در فتوت‌نامه‌ها به معنی «جوانمرد» است و جوانمرد در این جا شخصی است که در فضایل خلقی، کامل، و از دنیا و رذایل اخلاقی به دور، دارای معرفت الهی، صاحب قدمی راسخ و... باشد (صراف، ۱۳۵۲، ص ۶۰).

فتوت در اسلام، تاریخی خاص دارد و خصلتی از خصایص دین و صفتی کامل‌کننده برای عرفا به شمار آمده و پیمانی است میان مرید و مراد، در تمسک به قانون دین قدیم و عمل بر طبق قسطاس مستقیم. فتوت در اسلام، مسلکی است اخلاقی که به تهذیب اخلاق و استوار گردانیدن اخوت میان مردم و فراخواندن به فضایل و شجاعت و دوری از رذایل و جبن می‌انجامد. فتوت در صدر اسلام و در عصر عباسی، مسلکی فردی بود که برخی از افراد در آن گام می‌زدند و آثار آن در رفتارشان جلوه‌گر بود. در این دوره، سازمان و تشکیلات اجتماعی برای اهل فتوت، ملاحظه نشده است. بعدها فتوت به تصوف پیوست و به تمام معنی، مترادف ایثار شد و به صورت مفهومی اساساً اخلاقی نزد آنان درآمد. هنگام ظهور تصوف، همراه با فضیلت تقوا، مجموعه‌ای از فضایل مقتبس از فتوت مانند ایثار، دوری از مردم آزاری، ترک شکایت، مجاهده با نفس و معانی و مفاهیم دیگر تصوف

نیز در آن پیدا شد و به این ترتیب، فتوت، مذهبی از مذاهب تصوف گردید (شیخلی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

از آغاز رواج طریقه تصوف در ایران که آن نیز پرخاشی در برابر همان عوامل بوده است، بزرگان تصوف ایران، همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی را برای عوام می دانستند و هر دو را با هم ترویج می کرده اند. بسیاری از این بزرگان کتاب های نوشته شده در تصوف به نظم و نثر تازی و پارسی را «فتوت» نام، نام گذاشته اند. آیین جوانمردی دوشادوش تصوف، قرن ها در ایران رواج کامل داشته است و در میان عوام، مؤثرترین وسیله بقای روح ملی ایران و قیام در برابر بیگانگان و ستمگران بوده است (همان).

در قرن دوم و سوم هجری قمری، مردم و به ویژه جوانان و افراد پرجوش و خروش، دنبال مسلک و مرامی می گشتند که همه جنبه های ملیت و میهن پرستی آنان را در بر داشته باشد. رسم «عیاری» می توانست آرزوهای آنان را تحقق بخشد. در همه شهرهای ایران، دسته هایی پدید آمده بودند که بعداً در تاریخ به نام «عیاران» خوانده شدند (باستانی پاریزی، ص ۱۵۴). این افراد از طبقات «لوطی» و «مشدی» شهرها بودند و کم کم راهنمایان و سرپرست هایی در شهر یافتند. جوانان و ورزشکاران هر شهر چون با اصول اخلاقی آنان که رازداری و جوانمردی و راستی و پاکی بود، آشنا می شدند، به شرکت در مجامع آنان رغبت می کردند و به آنان می پیوستند (همان، ص ۱۵۴ و ۱۵۵).

این عیاران در سیستان به چستی و چابکی معروف بودند و مخارج خود را از طریق راهداری تأمین می کردند. در شهرهای دیگر نیز اینان دارای تشکیلات و سازمان های بسیار و منظم و مرتب بودند و به سرپرستشان «عریف»، «نقیب» و «سرهنگ» می گفتند. بنای کار این عیاران، بر جوانمردی و عدالت بود. در شهرها شبگردی و شبروی می کردند و کارشان تهدید ثروتمندان و متنفذان و حکام بود؛ کمندانداز و خنجر باز بودند؛ و بسیاری از اوقات، تحمل این خطرات و مصائب برای انجام کار مردم بینوا و یا دفع ظلم از مظلوم بود (همان، ص ۱۵۵).

بنابراین در بررسی متون و منابع در باب فتوت و جوانمردی، با گروه‌های مختلف جوانمردان در ایران آشنا می‌شویم که اصطلاحاً عبارتند از «فتیان»، «اخیان»، «عیاران»، «شاطران»، «قلندران»، «اصناف»، «سپاهیان»، «اهل زورخانه» و «پهلوانان» و ... که ما همه این گروه‌ها را «اهل فتوت» می‌نامیم.

پهلوانان که بسیاری از اصول و مرام جوانمردی ایشان هنوز نیز در زورخانه‌ها رعایت می‌شود، الگویی مناسب برای جوانان امروزی هستند. زورخانه‌هایی که از قدیم باقی مانده، بنایی است مسقف که در وسط آن گودی کنده شده و در اطراف گود، غرفه‌هایی برای نشستن تماشاچیان و کسوت لباس و گذاشتن آلات و اسباب ورزش بنا گردیده است. در یکی از غرفه‌ها که مدخل زورخانه محسوب می‌شود، سکویی به نام «سردم» برای نشستن مرشد زورخانه ساخته‌اند. سقف اصلی زورخانه که «گود» در زیر آن واقع شده، بلندتر از سقف‌های دیگر بناست و در بالای این سقف، پنجره برای روشنایی تهیه شده؛ در ورودی زورخانه به قدری کوتاه است که باید با قامت خمیده از آن عبور کرد. (بیضایی کاشانی، ص ۱۵). ساختمان زورخانه و در کوتاه آن و بی‌وزنی آن، به خفاگاه شبیه است و گود آن به چاله حوض می‌ماند، و فتیان و عیاران ابتدا صبح‌ها در حمام و چاله حوض، حرکات و شیرین‌کاری‌ها می‌کردند و بدن خود را آماده می‌ساختند (حکیمی، ص ۵۰ و ۵۱).

اصول اخلاقی فتوت

آیین فتوت و جوانمردی به عنوان آیینی اخلاقی و اجتماعی، همواره یک سلسله باورها و اصول اخلاقی خاص داشته است که پایبندی به این اصول از ضروریات جوانمردان بود و در فتوت‌نامه‌ها این اصول اخلاقی را منسوب و مأخوذ از بزرگان دین اسلام می‌دانستند. با رعایت این اصول در میان جوانمردان بود که آیین جوانمردی، آیینی اخلاقی و اجتماعی شد که به زندگی اجتماعی و عدالت‌ورزی در میان انسان‌ها اهمیت فراوان می‌داد. در ادامه به پاره‌ای از این باورهای اخلاقی، اشاره می‌شود.

راستی

از اصول مهم و اساسی فتوت، راستی و درستی است. در فتوت نامه عطار نیشابوری که به نظم نگاشته شده، اصل راستی و درستی، اولین گام در راه جوانمردی و مردانگی است:

نخستین راستی را پیشه کردن

چو نیکان از بدی اندیشه کردن (عطار، ۱۳۳۹، ص ۹۲)

در «قابوس نامه» اصل جوانمردی سه چیز است که یکی از آن‌ها، «راستی» است: اصل جوانمردی سه چیز است: «هر چه گویی، بکنی؛ خلاف راستی، نگویی؛ شکیب، به کار بندی» (عنصرالمعالی، ۱۳۴۵، ص ۲۴۶). در فتوت نامه‌ها نیز صدق و راستی از اصول مهم فتوت است؛ صدق در گفتار، صدق در نیت، و صدق در کردار. «دروغ‌زن را مردمی محال است» و صدق و راستی را یکی از هشت خصلت جوانمردان می‌دانند (ابن‌جناب، ۱۳۷۳، ص ۱۶۲). در داستان «سمک عیار» نیز راستی و درستی، از اصول است. عیار باید راست بگوید اگرچه به زیان و خطر او باشد؛ یعنی دروغ مصلحت‌آمیز نیز نباید گفت. در این داستان که دختر شاه ناپدید شده است، عیاران را نزد شاه می‌برند. شاه می‌پرسد که آیا این کار را ایشان کرده‌اند؟ سر عیاران فرومی‌ماند، تا چه جواب دهد! سمک عیار می‌گوید: «خدایتان بقا باد! بدان و آگاه باش که در جهان هیچ چیز به از راستی نیست و راست گفتن باید به هر جا که باشد، خاص و عام، عاقل و نادان، خاصه در پیش شاه و علی‌الخصوص که ما سخن گوئیم الا راست نتوانیم گفتن، که نام ما به جوانمردی رفته است. و ما خود جوانمردیم؛ اگرچه ما را عیارپیشه می‌خوانند و عیارپیشه الا جوانمرد نتوان بود...» (کاتب ارجانی، ج ۱، ص ۳۸-۴۰). بنابراین راستی در تمام شؤون زندگی جوانمردان جاری بود.

وفای به عهد

در باب وفای به عهد در فتوت‌نامه‌ها سخن بسیار رفته است که نمایانگر اهمیت موضوع در میان جوانمردان است.

اگر اهل فتوت را وفا نیست

(عطار، همان)

همه کارش به جز روی و ریا نیست

در این باب، مؤلفان فتوت‌نامه‌ها، «وفا» را نهایت اقدام فتوت و غایت کمال قوت فطرت و یا اشرف خصایص فتیان می‌دانند؛ با توجه به این آیه که فرمود: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» [از میان مؤمنان، مردانی هستند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند] (احزاب / ۲۳).

مهمان‌نوازی

مهمان‌نوازی نیز از صفات مهم جوانمردان بود که همواره به آن اهتمام می‌ورزیدند. در «فتوت‌نامه سلطانی» درباره ضیافت و مهمانی، آدابی آمده است که مهمانی و مهمان‌نوازی را به حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام، و به مهمانی رفتن و اجابت مهمانی کردن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهند و این که مهمانی فقط برای رضای خدا و طعام باید حلال باشد و با مهمان، گشاده‌رو باشد و مهمان ناخوانده را حرمت زیاد نباید نهاد و بخل نورزید و میزبان آنچه دارد برای مهمان حاضر نماید. بنابراین اهل فتوت برای مهمان‌نوازی اهمیت زیادی قائلند و این مهمان‌نوازی را ارمغان جوانمرد بزرگ، ابوالفتیان خلیل علیه السلام می‌دانند (کاشفی، ۱۳۵۰، ص ۲۴۷ - ۲۴۹).

در این باره می‌توان به سنت سفره‌داری بین ورزشکاران باستانی و سور دادن و اطعام آنان اشاره کرد که به ورزشکار توانگری که اطعام نمی‌کرد، می‌گفتند «سفره‌دار» نیست و در تمجید پیشکسوت و پهلوانی می‌گفتند: «همیشه در خانه‌اش باز است و سفره‌دار است». سور دادن در زورخانه به مناسبت‌های مختلف، در قدیم معمول بوده است؛ مخصوصاً اگر کسی صاحب زنگ و ضرب می‌شد یا زمانی که پهلوان یا پیشکسوتی به

شهری می‌رفت، شب‌هنگام در هر زمان در هر زورخانه‌ای که ورزش می‌کرد پیشکسوت‌ها و ورزشکاران آن شهر بنا به توافقی که بین خود داشتند هر شب در خانه یکی، از او پذیرایی می‌کردند (تهرانچی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷ و ۱۶۸).

ابن بطوطه نیز دربارهٔ سفره‌داری جوانمردان می‌گوید: «این جماعت، مسافرینی را که وارد شهر می‌شوند در خانقاه خود منزل می‌دهند و مسافر تا هنگامی که بخواهد آن شهر را ترک کند، مهمان آنان تلقی می‌شود ...» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ص ۳۴۸) و در این باب غریب‌نوازی و مهربانی و سفره‌داری آنان را می‌ستاید.

رازداری یا ستاری

پرده‌پوشی اسرار و نقایص مردم و آشکار نمودن آن و اغماض و چشم‌پوشی از خطاهای آنان، از وظایف جوانمردان بود (سلمی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۰). به این اصل مهم اخلاقی در داستان «سمک عیار» بارها اشاره شده است. هنگامی که شاهزاده خورشیدشاه به خانهٔ سرعیاران پناه می‌برد و از او می‌پرسد: جوانمردی چند حد دارد؟ سرعیاران پاسخ می‌دهد: حد جوانمردی از حد فزون است، اما از آن جمله دو را اختیار کرده‌اند: یکی نان دادن؛ و دوم، راز پوشیدن و سرّ کسی را با کسی نگفتن (کاتب ارجانی، ج ۱، ص ۲۶).

یاری درماندگان

وظیفهٔ اخلاقی جوانمردان است که چون به پناه ایشان بیایند و یاری بخواهند، او را با جان و دل بپذیرند و در انجام مقصود او - اگرچه دشوار و پر خطر است - از هیچ کوششی دریغ نورزند. در «قابوس‌نامه» نیز در آن‌جا که از هنرهای جوانمردی و عیاری سخن می‌رود «دست نکشیدن بر اسیران [شکنجه ندادن اسیران] و یاری رساندن بیچارگان» را از این هنرها می‌داند (عنصرالمعالی، ۱۳۴۵، ص ۲۴۷). در داستان «سمک عیار» آن‌جا که خورشیدشاه به سرای عیاران می‌آید و برای رهایی برادرش فرخ‌روز و دیدار دختر فغفورشاه از ایشان یاری می‌جویند، شغال پیل‌زور به فکر فرو می‌رود که این چنان کاری است دشوار که ناگاه سمک عیار به زبان می‌آید و می‌گوید «ای استاد! شاهزاده را ناامید مگردان که اگر ناامید نبودی، پیش شما نیامدی». بنابراین جوانمردی کردن به

همگان، از اصول مهم عیاری است که در فتوت‌نامه‌ها به این اصل، بسیار اشاره شده است. در «قابوس‌نامه» نیز آن‌جا که از هنرهای جوانمردی و عیاری سخن می‌گوید، «دست نکشیدن بر اسیران [شکنجه ندادن اسیران] و یاری رساندن بیچارگان» را از این هنرها می‌داند (همان).

عفت

از جمله شرایط جوانمردی، عفت است. در «فتوت‌نامه سلطانی» آدابی برای محافظت چشم و گوش و زبان و دست ... آمده است و از آدابی که برای چشم آمده، دیده بر هم نهادن از نامحرم و چشم بر هم نهادن از صورت‌های نیکو - وقتی که به شهوت در آن بنگرند - می‌باشد (کاشفی، ۱۳۵۰، ص ۲۱۰).

هیچ یک از عیاران و جوانمردان تا آداب زناشویی انجام نمی‌گرفت، حتی با دلبر نامزد خود نمی‌پیوستند. سمک عیار آن‌جا که سرخ ورد را به گواهی چهار تن، به زنی می‌گیرد، تا مدت‌ها در انتظار آیین زناشویی، با او نمی‌آمیزد. گذشته از این هر جا که عیاری باید با زنی همراه می‌شد، یا نشست و برخاست می‌کرد، نخست او را به خواهری می‌پذیرفت و «آیین برادر و خواهر خواندگی» را چنان‌که آمده است، انجام می‌داد تا هیچ وسوسه‌کامرانی در میان نباشد. «سمک گفت: ای آتشک! دلارام تو به گواهی یزدان، خواهر من است از بهر آن‌که اگر دست من بر اندام وی آید، گمان بد در دل نیاید» (کاتب ارجانی، ج ۱، ص ۱۳۱).

فداکاری و ایثار

عیار باید در راه خدمت به یاران تا حد فداکاری پیش رود. در «فتوت‌نامه» نجم‌الدین زرکوب از فداکاری و ایثار در فتوت، فتوت به جان و فتوت به مال سخن می‌گوید و در این مورد مثال‌هایی از فتوت جانی و مالی بزرگان دین می‌آورد (صراف، ۱۳۵۲، ص ۱۸۰). از سوی دیگر، این جنبه از فتوت، بعدها یعنی زمانی که با تصوف در تعامل قرار می‌گیرد، معنای دیگری می‌گیرد که همان ایثار است. ایثار یعنی انسان همیشه دیگران را بر خود ترجیح دهد که این ایثار بعدها اساس کار «طریقه ملامتیه» می‌شود. معنای فتوت نزد

متصوفه، فربه‌تر می‌گردد به گونه‌ای که عبارت می‌شود از مجموع فضایی که حتی از تلقی اعراب قدیم از یک فتنی کامل نیز فراتر می‌رود. در مقام تعریف، می‌توان گفت که فتوت اجتماعی کارهایی است که فتنیان برای بهبود و رفاه عامه مردم و دستگیری مظلومان و بی‌نویان در مقابل ستمکاران و جابران انجام می‌داده‌اند (همان، ص ۷۲).

رعایت حق نان و نمک

در باب اصل دیگر مرام عیاران می‌خوانیم: «بر آن سفره که نان خورد، بد نکند؛ و نیکی را بدی مکافات نکند». بنابراین «رعایت حق نان و نمک» را می‌توان از اصول مهم فتوت دانست.

حق نان و نمک حق دین است	هم سوگند بخردان این است
حق نان و نمک تبه کردن	بشکند مرد را سر و گردن

(کاتب ارجانی، ج ۴، ص ۲۳۸)

نان و نمک خوردن و تلافی آن کردن، آن قدر در میان عیاران محترم شمرده می‌شد که در باب آن، داستان‌ها فراوان است و هنوز هم دزدان و راهزنان نواحی جنوب وقتی به قافله‌ای می‌زنند، حاضر نیستند از نان و نمک قافله، چیزی بردارند. اگرچه تمام اثاثیه را بستانند؛ به خاطر نمک‌گیر نشدن، لب به غذای ایشان نمی‌زنند؛ ولو گرسنه باشند؛ و اگر اشتباهاً غذای ایشان را بخورند، تمام اثاثیه را پس می‌دهند (باستانی پاریزی، ص ۱۵۵).

امانت‌داری

از اصول اساسی مرام جوانمردان عیارصفت، امانت‌داری بود و عیاران راستین، رعایت آن را بر خود واجب می‌دانستند. جوانمردان عیار به لحاظ صفات عالی و اخلاقی خود همواره مورد اعتماد قاطبه مردان و زنان اهل زمان خود، و چه بسا محرم راز بسیار کسان بودند و مردم از آن‌جا که به ایشان اعتماد داشتند، مکنونات قلبی و اسرار یا انواع و اقسام اشیای خود را برای حفظ و حراست، به ایشان می‌سپردند و جوانمردان خود را ملزم به حفظ این امانات تا پای جان می‌نمودند و حتی به عنوان اعتماد به پاکدامنی جوانمردان، کفالت و حفظ و حراست از نوامیس افراد بنا به هر دلیل، به آنان سپرده

می شد و این امانت‌داری شامل، امانت‌داری در کردار، امانت در گفتار، امانت در اندیشه و اسرار دیگران بود (شکری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴ و ۱۵۵). در فتوت‌نامه‌ها نیز از خیانت کردن در ودیعت و امانت‌داری، سخن فراوان رفته است (سلمی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۰).

قناعت و آزادگی

نویسنده «قابوس‌نامه» در باب قناعت و بی‌نیازی جوانمردان، به پسرش چنین نصیحت می‌کند: «بدان که تمار جوانمردی [کامل‌ترین جوانمردی] آن است که چیز خویش از آن خویش دانی و چیز کسان از آن دیگران؛ و طمع از چیز خلق ببری و اگر ترا چیزی باشد، مردمان را بهره کنی؛ و از چیز مردمان طمع نداری و آنچه تو نهاده باشی، برنداری» (عنصر المعالی، ۱۳۴۵، ص ۲۶۰).

فتوت جوی گر دارد قناعت همه عالم برند از وی بضاعت

(عطار، همان، ص ۹۴)

عیار اگرچه کریم است و هر چه دارد، در راه رسیدن به مقصود خرج می‌کند؛ اما هرگز دل‌بسته به مال و جاه نیست. عیاران خود را «ناداشت» می‌خوانند؛ یعنی تهیدست و از طبقه فرودستان و هرگز در برابر کوشش‌ها و فداکاری‌های خود، چشم به مزد و پاداش ندارند. بنابراین عیار، قانع است و شکمباره نیست (حکیمی، ۱۵). این چنین جوانمردان همواره با در پیش گرفتن قناعت، آزاده بودند.

عدالت‌خواهی

عیاران و جوانمردان، کسانی بودند که همواره در پی برقراری عدالت در جامعه بودند و به همین دلیل هیچ‌گاه زیر بار ظلم و بی‌عدالتی نمی‌رفتند و آزاده بودند. از همه گذشته، جوانمردی همان رنگ طبیعی و عادی همه جنبش‌های ایرانیان را در برابر سختگیری‌های جانفرسای روحانیان همدست با خداوندان زور و زر دارد که در دوره‌های پیش از اسلام نیز روی داده است (نفیسی، ۱۳۴۳، ص ۱۵۴ و ۱۵۵).

می‌گویند / بومسلم خراسانی که با پشتیبانی عامه مردم زحمتکش پیروز شده بود، در میان پیشه‌وران و اصناف و اهل فتوت جایگاه بالای داشت. داستان او از ایران به

قفقاز و آسیای صغیر برده شد و در آن جا پیشرفت زیاد کرد؛ چندان که دیگر داستان‌های پهلوانی ترک را تحت شعاع قرار داد و پس از ضعیف شدن اخیها در امپراطوری عثمانی و پناه بردن آن‌ها به دسته‌های درویشانی مانند بکتاشیان، نفوذ این داستان در میان بکتاشی‌ها آغاز شد (کرین، ص ۱۵۹).

«ابومسلم نامه» داستانی شیرین و دلپذیر است که در آن/ابومسلم، نظر کرده پیامبر ﷺ است و به خاندان حضرت علی علیه السلام ارادت دارد. از نکات بسیار جالب آن، مضمون داستان و قهرمانان از جان گذشته آن و فداکاری‌های ایشان است که بر ضد ستم و بیداد، مبارزه می‌کنند. اکثر آن‌ها از طبقات عامه و پیشه‌وران و مردم کوچه و بازارند و در کمال پرهیزگاری به سر می‌برند و به هدف خود ایمانی قوی دارند و از آن منحرف نمی‌شوند (همان، ص ۱۶۳).

سربداران نیز گروه دیگری از عیاران بودند که در زمان حاکمیت مغولان در ایران (منطقه خراسان) به رهبری پهلوانی از باشتین به نام/امیر عبدالرزاق قیام کردند و به حکومت رسیدند. نام سربداران گویا دگرگونه‌ای از «سرابدال» یا شاید هم صورت دیگری از «سروالداران» («سروال» یا همان «شلوار»، جوانمردانی که شلوار خاص فتوت می‌پوشیدند. نوعی خرقة «سراویل») باشد (همان، ص ۳۷ و ۳۸).

آداب اخلاقی اهل زورخانه

زورخانه‌ها یکی از آثار به جا مانده از جوانمردان در دوران ما است. زورخانه‌ها همواره یک سلسله اصول و آداب دارند که رعایت این اصول بر تمام پهلوانان و جوانمردان، امری ضروری بود که در این جا برای نمونه به برخی از این آداب، اشاره می‌شود.

در ورودی زورخانه بسیار کوتاه است، به گونه‌ای که عبورکنندگان از آن باید خم شوند. این نشانه فروتنی و تواضع است. ورزش باید پس از ادای فریضة صبح، شروع شود و تا چاشتگاه، خاتمه یابد. مرشد زورخانه موظف است برای واردان و تا جایی که آن‌ها را می‌شناسد، به تناسب مقام ورزش و اولویتشان، با ادای عبارت «خوش آمدید» و

یا با ضرب و زنگ، احترام بگذارد. بر ورزشکار فرض است که موقع ورود به گود زورخانه، خاک آن را به رسم ادب بیوسد. طبقه سادات زورخانه، در هر کاری حق اولویت دارند. شرکت افراد نابالغ، خوردن و آشامیدن، تدخین و صحبت در زورخانه ممنوع است. سخنان زشت و بیهوده گفتن در زورخانه ممنوع است. در زورخانه حق تقدم با اشخاص با سابقه و پیش کسوت است و ثروت و مقام اجتماعی، جایگاهی ندارد؛ «رخصت طلبیدن» و طلب اجازه از رسوم زورخانه بود (بیضایی کاشانی، ۳۷-۳۱).

علاوه بر این اصول و مبانی اخلاقی اهل زورخانه، می توان به برخی از اسباب و وسایل زورخانه اشاره کرد که هر یک، معنای اخلاقی و انسانی خاصی در بر دارد.

نماد و مفهوم «زنجیر» در «کباده»

زنجیر و زنگ در فرهنگ فتیان، نماد همبستگی و دادخواهی است. این سنت از فرهنگ ساسانیان ناشی شده که از دوره پادشاهی *انوشیروان* به جا مانده است. *انوشیروان* پس از پراکنده ساختن و کشتار فراوان مزدکیان به منظور جلب رضایت مردم، ظاهراً دادگری پیشه کرد و برای این که هر ستم دیده ای مستقیماً بتواند با او دسترسی داشته باشد، دستور داد بر کاخ پادشاهی زنجیری نصب کنند که در انتهای آن زنگی قرار داشت، به گونه ای که صدای زنگ به گوش او مستقیم می رسید. زنجیر و زنگ، مظهر توانایی و قدرت بود و طبعاً هر کجا زنگی می آویخته اند، به زنجیری هم وصل بوده است. بنابراین هر جا صحبت از زنگ شده، نام زنجیر هم با آن بوده و زنگ و زنجیر به صورت اصطلاحی درآمده است. بر اساس این رویه، زنگ و زنجیر، وارد سردم ها نیز شد و سپس به اماکن مقدس هم راه یافت؛ چنان که در مدخل بعضی از اماکن متبرک نیز زنجیری به شکل مثلث می آویختند که در هنگام ورود زنجیر را تکان می دادند و آن را نشان دادخواهی از مکان مقدس می دانستند. بنابراین زنجیر در کباده کشیدن، به معنای دادخواهی است (تهرانچی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۰ و ۲۵۲).

نطعی

نطعی هم رسم دیگری است که دویست سیصد سال قبل، بین پهلوانان زورخانه رواج داشته است و آن بستن پیش‌بندی از چرم به نام «نطعی» است که این رسم از طبقه «شطاران» گرفته شده بود. سرچشمه این رسم نیز در ایران باستان بوده است و نشانی از اعتراض و قیام بود؛ چنان‌که کاوه آهنگر در اعتراض به ضحاک ستمگر، پیش‌بند چرمی می‌پوشد و نیز شطاران هنگام جنگ پیش‌بندی از چرم به خود می‌آویختند. یکی از آداب زورخانه، برهنه شدن پهلوان هنگام ورزش است؛ زیرا عیاران هنگام جنگ، به نفع هر کس که بود، برای ابراز نهایت از خود گذشتگی باید با بدن عریان به میدان می‌رفتند و فقط لنگی به کمر خود می‌بستند. هنوز هم بعد از هزار سال، «برهنگی» یکی از مراسم لازم‌الاجرای زورخانه است و ورزش کردن با لباس در زورخانه‌ها نوعی از بی‌اندami محسوب می‌شود و ممنوع است (بیضایی کاشانی، ۹۸).

نتیجه‌گیری

از امتیازات منحصر به فرد معنویت اسلامی این است که نسبت به تمایلات دنیوی و اخروی انسان، جامعیت دارد و خواستار نادیده گرفتن خواسته‌های بشری یا سرکوب آن‌ها نیست؛ در واقع، از صفت «همه‌جانبه بودن» برخوردار است و مطابق زندگی اجتماعی افراد است. یعنی با به‌کارگرفتن تمام امکانات، استعدادها و قوای انسان، به دست می‌آید.

در این مقاله، آیین جوانمردی را معرفی کردیم که یکی از مسلک‌های عرفانی اصیل ایرانی و اسلامی است. این مسلک با برخورداری از مبانی‌ای چون معنویت و اصول اخلاقی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، عدالت‌خواهی و مهرورزی، همواره از آغاز مورد توجه جوانمردان بوده است. این آیین، از اصول اخلاقی و الایی برخوردار است. پایبندی

به این اصول همواره در میان جوانان تبلیغ می‌شد؛ اصولی که مبتنی بر راستی و درست‌ی، تندرستی، ایثار و فداکاری، عفت و پاکدامنی، عدالت‌خواهی و ... بود.

با بررسی‌های انجام‌شده درمی‌یابیم که مسلک فتوت، همواره با ترویج این افکار و مبانی، به هدف‌ها و ارزش‌های عالی اخلاقی و انسانی خود، در طول تاریخ عمل می‌کرد و پس از اسلام نیز با پذیرش بسیاری از شخصیت‌های معنوی اسلامی همچون حضرت ابراهیم علیه السلام، اصحاب کهف و حضرت علی علیه السلام به عنوان سرور و سالار خود، به صورت اعلامی خود در آمد. همان‌طور که در بحث عدالت‌خواهی فتوت گذشت، جوانمردان در طول تاریخ، همواره دنبال گسترش عدالت و برابری و برادری بودند و بر این اساس یکدیگر را «اخی» یا برادر می‌خوانند و با هم پیمان «اخوت» می‌بستند تا از مال و جان و ناموس یکدیگر پاسداری کنند و نگذارند آه مظلوم بی‌جواب بماند. در این زمینه، پاسداری و امانتداری و یاری به محرومان، از اصول اصلی این مسلک بود.

با تأمل در آیین زورخانه‌ای و آداب و مراسم اهل زورخانه نیز دوباره آثار زیادی از مبانی اخلاقی و اجتماعی دیده می‌شود که خود شاهدی زنده بر این دلالت است؛ مانند برخی از آداب مثل احترام گذاشتن به مرشد و مراد، رخصت‌طلبی، احترام به سادات، متواضع بودن پهلوانان، منع یاوه‌گویی در زورخانه؛ نیز اسباب و وسایلی در زورخانه که نماد عدالت‌خواهی جوانمردان بود مانند زنجیر در کباده و پوشیدن نطعی. بنابراین این مسلک‌های عرفانی را می‌توان الگوی اخلاقی مناسبی برای جوانان امروزی ما معرفی کرد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلام.
۲. ابن بطوطه (۱۳۶۱)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، انتشارات آگاه.
۳. ابن جناح، صالح (۱۳۷۳)، کتاب الادب و المروءة، با تحقیق در فراز و فرود فتوت، ترجمه و تصحیح سید محمد دامادی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. ابن معمار، ابی عبدالله محمد بن ابی المکارم (۱۹۶۰م)، کتاب الفتوة، مصطفی جواد و دیگران، بغداد، شفیق.
۵. ابن منظور (بی تا)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
۶. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، «عیاران و جنبش های اجتماعی» در آیین جوانمردی، کربن.
۷. بیضایی کاشانی (۱۳۳۷)، تاریخ ورزش باستانی ایران، تهران، بی نا.
۸. تهرانچی، محمد مهدی (۱۳۸۵)، ورزش باستانی از دیدگاه ارزش، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. حکیمی، محمود (۱۳۸۱)، همراه با عارفان عیاران و جوانمردان، تهران، حریر.
۱۰. سلمی، ابو عبدالرحمن (۱۳۷۲)، کتاب الفتوة در مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، با مقدمه و تصحیح نصرالله پورجوادی، تهران، نشر دانشگاهی.
۱۱. شکری، هوشنگ (۱۳۸۵)، عیاران (نینجاهای ایرانی)، تبریز، نشر احرار.
۱۲. شیخلی، سعید صباح ابراهیم (۱۳۶۲)، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالمزاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۱۳. صراف، مرتضی (۱۳۵۲)، رسایل جوانمردان (شامل هفت فتوت نامه)، تهران، بی نا.
۱۴. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۳۹)، فتوت نامه منظوم در دیوان عطار، تصحیح سعید نفیسی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
۱۵. عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۴۵)، قابوس نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۶. کاتب ارجانی، فرامرز بن خداداد بن عبدالله (۱۳۶۲)، سمک عیار، با مقدمه و تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران، آگاه.
۱۷. کاشانی، کمالالدین عبدالرزاق (۱۳۷۹)، تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان، ترجمه و تصحیح سید محمد دامادی، بی جا، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۸. کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰)، فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۹. کربن، هانری (۱۳۸۲)، آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران، انتشارات سخن.
۲۰. لویزن، لئونارد (۱۳۸۴)، میراث تصوف، مجدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز.
۲۱. نفیسی، سعید (۱۳۴۳)، سرچشمه تصوف در ایران، تهران، نشر مروی.
۲۲. یوسفی، غلامحسین، «فتوت و قیامهای ضد خلافت»، در آیین جوانمردی، کربن.
23. Taeschner, F. R 1983 "futuwwah", The Encyclopedia of Islam, B Lewis and Ch. Pell at , Vol .11, I ed i e.